

پس از فاجعه مرگ کارگران معدن طبس، چیزی در معدن عوض نشده است!

چهل روز از فاجعه قتل کارگران در معدن معدنجوی طبس می‌گذرد. فاجعه انفجار در این معدن در ۳۱ شهریورماه سال جاری که طی آن بر اساس گزارشات منتشر شده تاکنون حداقل ۵۳ کارگر جان باختند، تصویر روشنی از شرایط کار و ایمنی محیط کار کشور را به دست داده و آشکار می‌سازد که در هیچ یک از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و معادن ایران بهایی به رعایت مسائل ایمنی و حفظ زندگی کارگر داده نمی‌شود. به همین دلیل هم هر روز که می‌گذرد تعداد کارگرانی که به خاطر فقدان وسائل ایمنی در کارخانجات و کارگاه‌های کشور جان می‌بازند فزونی می‌گیرد. به این ترتیب کشور ما تحت حاکمیت سپاه رژیم کارگرسنیز جمهوری اسلامی به یکی از قتلگاه‌های کارگران تبدیل شده است. نگاهی به آنچه پس از فاجعه انفجار معدن معدنجو طبس و قتل ۵۳ کارگر در این معدن رخ داد نیز به نوبه خود ثابت می‌کند که چگونه سرمایه‌داران با جان کارگران بازی می‌کنند و جمهوری اسلامی هم تمام‌قد به دفاع از آنها و قلدری‌ها و قانون‌شکنی‌ها و جنایات‌شان می‌پردازد.

به دنبال فاجعه مورد بحث در معدن طبس، مرکز ارتباطات و اطلاعات وزارت صنعت، معدن و تجارت اطلاع داد که معدن معدنجو طبس بعد از حادثه "هنوز تعطیل است و مجدد راه‌اندازی نشده" است. سخنگوی قوه قضاییه جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که "دستور پلمپ محل انفجار تا زمان ایمن‌سازی آن صادر و اجرا شده است". این سخنگو همچنین گفت که "۵ نفر به عنوان مقصرین حادثه شناسایی شده‌اند و میزان تقصیر هر یک مشخص شده است". بدون شک هر کس با خواندن این گزارشات ظاهراً به این نتیجه خواهد رسید که با پیگیری دولت و قوه قضائیه، مسئولین مربوطه رژیم دارند به این فاجعه و عاملین آن رسیدگی کرده و حقوق کارگران را برآورده می‌کنند؛ و می‌تواند باور کند که فعلاً معدن فاقد وسائل ایمنی را هم بسته‌اند تا امنیت کاری کارگران معدن تامین شود اما واقعیت چنین نبود. اتفاقاً درست در زمانی که رژیم به تبلیغات دروغین جهت کنترل اوضاع به نفع سرمایه‌داران مشغول بود یکی از کارگران معدن اطلاع داد که: "از نظر ایمنی و تجهیزات چیزی تغییر نکرده اما مثلاً دیگر هر شیفت، یک ماسک می‌دهند. قبلاً همین را هم نمی‌دادند". در این مورد خبرگزاری حکومتی ایلنا روز جمعه چهارم آبان از فعالیت معدن معدنجو در طبس در استان خراسان جنوبی بدون امکانات لازم برای ایمنی محل کار خبر داد و نوشت: "کارگران همچنان بدون امکانات ایمنی مشغول کار هستند". بر اساس گزارش این خبرگزاری "همه چیز مثل قبل است، سنسور مرکزی، مانیتورینگ و تهویه‌های قوی در کار نیست، چیزی در معدنجو عوض نشده و احتمال بروز حادثه مرگبار همچنان بالاست". جالب این‌جاست که در شرایطی که همه‌ی قرائن حکایت از آن دارند که از لحاظ ایمنی هیچ چیز تغییر نکرده و در بر روی همان پاشنه می‌چرخد که قبلاً می‌چرخید. کارگران معدن مطرح می‌کنند که حتی قول افزایش حقوق هم اجرایی نشد. آنها در مورد محمد مجتهدزاده سرمایه‌دار این معدن که کارگران وی را هیچ وقت ندیده بودند چون به قول یکی از کارگران "نه که نیامده باشد، می‌آمد اما کارگر که اجازه نزدیک شدن به او را نداشت" گفتند که وی به دنبال این فاجعه به کارگران قول داده بود که "از همین ماه علاوه بر برخورداری کردن معدن از

امکانات ایمنی، حقوق آنها را هم سه میلیون تومان افزایش خواهد داد". در این صورت حقوق کارگران از حدود ۱۳ میلیون تومان با همه مزایای جانبی به ۱۶ میلیون تومان می‌رسید. اما این وعده و وعید نیز دروغ از آب در آمد و نه تنها تا کنون چنین افزایشی رخ نداده است بلکه برعکس کارگرانی از بلوک "بی معدن معدنجوی طبس که از دوم مهرماه به دلیل این فاجعه بزرگ سر کار نرفتند، جریمه هم شده‌اند.

فاکت‌های فوق به حد کافی شدت ظلم و ستمی که سرمایه‌دار مذکور و رژیم کارگرسنتیز جمهوری اسلامی بر کارگران اعمال می‌کنند را آشکار می‌سازد. عدم اقدام دولت برای تامین امنیت جانی کارگران در این معدن آن‌هم بعد از چنین رویداد دردناکی که پیش آمده است دشواری‌های جدیدی برای کارگران این معدن به وجود آورده است. برای درک این موضوع کافی است بدانیم که تاکنون از ۲ هزار کارگر معدن ۷۰۰ نفر استعفا داده‌اند. این استعفاها در شرایطی رخ می‌دهد که بیکاری در جامعه بیداد می‌کند و کسی حاضر نیست کار خود را رها کرده و دنبال کار دیگری برود که دست یافتن به آن با مشکلات بسیاری همراه است. پدر یکی از کارگران جان‌باخته در این معدن می‌گوید: "پسرم به خاطر بیکاری در منطقه خودمان مجبور شد در معدن طبس با حقوق کم کار کند و جاننش را به خطر بیندازد. جوانان ما چاره‌ای به جز آواره شدن در شهرها و مناطق دیگر کشور برای به دست آوردن لقمه‌ای نان ندارند. چرا که با تورمی که در جامعه وجود دارد، نمی‌شود در مناطق ما با فقر و بیکاری زندگی کرد".

در چنین شرایطی است که پس از حدود چهل روزی که از فاجعه معدن طبس می‌گذرد بسیاری از کارگران یکی یکی کار را ترک می‌کنند. تا آنجا که به قول یکی از کارگران این معدن در "بعضی از کارگاه‌های بزرگ ۲۰۰ نفره" معدن مزبور حالا "شش یا هفت نفر کار می‌کنند".

تجربه فاجعه انفجار در معدن زغال سنگ معدن معدنجو طبس بار دیگر به روشنی نشان داد که چرا دیکتاتوری حاکم با تمام قوا از متشکل شدن کارگران حتی در تشکلهای صنفی خود جلوگیری کرده و به شدت از آن در هراس است. چرا که صدای اعتراض کارگران در فقدان سازماندهی و تشکل مستقل خود و عدم وجود سازمان سیاسی و انقلابی در ارتباط ارگانیک با خود به جایی نمی‌رسد. فقدان تشکل سیاسی و تشکلهای صنفی طبقه کارگر به سرمایه‌داران امکان داده است که با دست باز تا می‌توانند شیره جان کارگران را کشیده و با عدم هزینه جهت ایمنی محیط کار با جان آنها بازی کنند. باید بر این واقعیت تاکید کرد که پراکندگی صفوف کارگران که دست سرمایه‌داران را در چپاول دسترنج آنها کاملاً باز می‌گذارد، نتیجه‌ی مستقیم اعمال دیکتاتوری توسط رژیم حامی سرمایه‌داران یعنی جمهوری اسلامی می‌باشد. از این رو کارگران و مدافعین راستین آنها در میان روشنفکران در بستر مبارزه برای نابودی دیکتاتوری حاکم است که می‌توانند شرایط را برای سازمان‌یابی کارگران مهیا نمایند.

از سوی دیگر سرنگونی دیکتاتوری حاکم اگر بخواهد به تحقق مطالبات کارگران و رهایی رنجبران از قید ستم‌های سرمایه‌داران منجر شود الزاماً با این امر مهم گره خورده است که پیشروان طبقه دست در دست روشنفکران انقلابی با تشکیل هسته‌های سیاسی-نظامی ماشین سرکوب جمهوری اسلامی را هدف تهاجم مسلحانه خود قرار دهند تا در این پروسه و در بستر شکاف افتادن در سد دیکتاتوری موجود شرایط برای سازمان‌یابی کارگران هر چه بیشتر مهیا شود.